

سرشناسه	:	نمازی کوچک، مهدی، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	نگاهی به فرهنگ و هنر ایران/ مهدی نمازی کوچک.
مشخصات نشر	:	تهران: ایران جام، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۱۹۸ ص.
شابک	:	۶۰۰۰۰ ریال: 978-964-8379-39-6
وضعیت فهرست نویسی	:	فیمپا
موضوع	:	هنر -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام
موضوع	:	ایران -- تمدن -- پیش از اسلام
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۱ ۸۵۹۵/۱۲۰DSR
رده بندی دیویی	:	۰۱/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۷۶۳۴۳



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

نام کتاب: نگاهی به هنر و فرهنگ ایران

نویسنده: مهدی نمازی کوچک

با مقدمه‌ی دکتر فاروق صفی‌زاده

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات ایران جام

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

سال چاپ: ۱۳۹۲ خورشیدی

نوبت چاپ: نخست

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۳۷۹-۳۹-۶

تهران. صندوق پستی: ۳۱۷۱-۱۵۸۷۵

سازمان چاپ و انتشارات ایران جام

(مرکز نشر و پژوهش‌های ایران‌شناسی)

فهرست

مقدمه	۱۱
ایران، خورشیدی فروزان بر تارک جهان	۱۱
فرهنگ و فلسفه تاریخ ایران	۱۳
۱. فرهنگ در ادبیات ایران	۱۳
۲. بنیاد فرهنگ در فلسفه تاریخ ایران باستان	۲۰
بزرگ‌ترین میراث‌دار تاریخ ایم	۳۳
هخامنشیان	۴۰
سیاست‌های اقتصادی	۴۶
اشکانیان	۵۳
ساسانیان	۵۹
دانش و فلسفه جهان از ایرانیان است	۶۳
گذار یکتاپرستی ایرانیان به یونان	۷۰
نگاه همگان به فلسفه زرتشت	۷۲
ارج نهادن به راستی و درستی	۷۶
نشانگذاری دوگانگی زرتشتی و مانوی بر باورهای دینی و فلسفی	۷۷
نوبین اروپا	۷۷
هنر ایران باستان	۷۸
هنر و هنرورزی در ایران باستان	۹۷

- سنگ تراشی های روزگار هخامنشی - پارتی و ساسانی ۱۱۰
- گذار هنر ایران در هنر یونان ۱۱۳
- گذار هنر ایران بر هنر روم خاوری ۱۱۷
- موزیک سازی و نگارگری آن در ایران ۱۱۹
- سنگ مرمرهای تراشیده شده ۱۱۹
- هنر نگارگری و نشانگزاری ایران در نگارگری جهان ۱۲۱
- مینیا توری های ایرانی ۱۲۲
- گذار هونیاک ایران در هونیاک نگاهی جهان ۱۲۴
- نشانگزاری و گذار هونیاک کاربرد ایران در کشورهای باختر زمین ۱۲۶
- ایرانیان نخستین پدید آورنده برقی در جهان هستند ۱۲۹
- شعر و ادبیات و هونیاک در ایران باستان ۱۳۳
- شاهها خدا یگانا باقرین شاهی ۱۴۰
- نشانگزاری ادب و فرهنگ ایران بر مردمان باختری ۱۴۴
- روزگار زندگی زرتشت و همبستگی آن با نزدیک ۱۲ هزار سال ۱۴۶
- تاریخ شعر ایرانی ۱۴۶
- افلاتون ۱۴۸
- اگزان توس ۱۴۸
- دیوژنس لرتیوس ۱۴۹
- تئوپومپوس ۱۴۹
- پلی نیوس ۱۵۰
- پلو تارخوس ۱۵۰
- سوئیداس ۱۵۱
- بارون بون سن ۱۵۱

۱۵۱	ولتر
۱۵۲	اسپن سر
۱۵۸	نشانگزاری و گذار ادبیات ایران بر مردمان خاوری
۱۶۰	گذار ادبیات ایران بر ادبیات تازیان
۱۶۳	فرهنگ و تمدن عصر هخامنشی
۱۶۳	تعلیم و تربیت
۱۶۵	زبان و خط دوره هخامنشی
۱۶۷	دانش گرایی در عهد هخامنشی
۱۶۹	جلب دانشمندان
۱۷۰	حوزه‌های علمی و محافل فرهنگی
۱۷۱	مدارس و دانشکده‌ها
۱۷۱	طب
۱۷۲	کتابخانه‌ها، سالنامه‌ها
۱۷۳	نجوم و هیئت
۱۷۴	دین و معتقدات
۱۷۸	آیین مزدیسنا
۱۷۹	زردشت و رفرم مذهبی
۱۸۱	اخلاق
۱۸۳	هنر عصر هخامنشی
۱۸۶	آثار تاریخی
۱۸۷	کتیبه‌ها
۱۹۱	منابع

مقدمه

ایران، خورشیدی فروزان بر تارک جهان

ایران زمین، یکی از کشورهای بسیار باستانی است که دارای تمدنی بس کهن می‌باشد که بر اساس متون باستانی و تاریخی، تمدن و فرهنگ و هنر اولیه‌ی بشری از ایران به سایر ممالک از جمله مصر و یونانی و چین و هند صادر شده است. اسناد و مدارک علمی وجود این ادعا را به ثبوت می‌رساند.

همه‌ی علمای باستان‌شناس و مردم‌شناس و بسزوهشگران و تاریخ‌نگاران مشهور دنیا هم صدا نظر می‌دهند که تمدن و فرهنگ و هنر از منطقه‌ی خاورمیانه سرچشمه گرفته که ایران سهمی بزرگ را به عهده داشته است.

آن چه مهم است این که ایرانیان در کتاب‌های تاریخ باستانی خود، کشف و ترقی همه‌ی فنون و صنایع را به پادشاهان باستانی خود نسبت می‌دادند، زیرا در ایران باستان، مردم خودبینی اروپاییان را نداشتند و مثل یونانیان در هر اختراعی با کمال صراحت نام و نشان خود را به جای

نمی‌نهادند و همه و هر چه بود به نام کشور و معابد خود ثبت می‌کردند. دعا هم که می‌کردند شرط ادب این بود که برای همه‌ی مردم کشور خود دعا کنند زیرا خودشان هم یکی از همین مردم بودند.

جهان‌بینی ایرانی در هزاران سده پیش از میلاد با پیوندهای نظامی سیاسی و فرهنگی که بعدها میان ایران و یونان برقرار گشت، در بستر نوینی جریان یافت. اکنون به تحقیق معلوم شده است که عناصری از جهان‌شناسی مغانی در اندیشه‌ها و نظریات فیلسوفانی چون هراکلیت، فیثاغورت، امپدوکل، سقراط و افلاطون تأثیر عمیق داشته است. پندار اصلی مادی واحد آغازین جهان که در نزد تالس «آب»، برای انکسیندر «آپرون»، در نظر انکیمنس «هوا»، و برای هراکلیتوس «آتش» بود، در اندیشه‌ی امپدوکل «انباذقلس» یافت و مهمو بود که عناصر چهارگانه‌ی آب و آتش و هوا و خاک را مواد بنیادین کیمی دانست و دو اصل «مهر» و «کهن» را بر روند پدیدارها حاکم ساخت. اینک بسیاری از پژوهشگران تاریخ علم برآنند که عناصری از جهان‌بینی زردشتی در تکوین نظریات امپدوکل (انباذقلس) مؤثر بوده است.^۱

آموزه‌ی تشابه و تناظر مهجهان و کهجهان که در بالا بدان اشارت رفت، همراه با بسیاری دیگر از عناصر جهان‌بینی مغانی به اندیشه‌های سقراط و افلاطون راه یافت. انکیمنس در نظریه‌ی تناظر نقش «باد» در طبیعت و «نفس» در بدن آدمی و بقراط طبیعت یونانی نیز از مفهوم تشابه کهجهان و مهجهان تأثیر عمده‌ای گرفتند، تأثیری که یقیناً از اندیشه‌های مغانی بدان‌ها رسیده بوده است. قرابت اندیشه‌های هراکلیت فیلسوف یونانی سده‌ی پنجم پیش از میلاد با جهان‌بینی زردشتی آن چنان زیاد است که تصور

۱. تأثیر فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی بر افلاطون، استفان پانوسی، ص ۲۴ و ۲۵.

تکوین مستقل آن افکار بسیار نامتحمّل می‌نماید. هراکلیت به پیروی از زردشت، جهان را صحنه‌ی کشاکش اضداد و مشعون از تحول و تغییر می‌دانست، اما به زعم این بنابر آیین مغانی بر قانون‌مندی جهان و وجود یک «عقل» و یا «لوگوس» اعتقاد داشت. از این روی سرچشمه‌های دیالکتیسم در جهان‌بینی علمی را باید در زمان‌هایی پس دورتر از عهد هراکلیت و در فرهنگ ایرانی جستجو کرد.

رشته‌هایی از عناصر فکری زردشتی پس از سیلان در بستر فرهنگ یونانی به مکاتب اسکندرانی راه یافت و پس از امتزاج با سایر مشرب‌ها به صورت افکار روافی، نوافلاطونی، متبلور گشت. در ازنای سده‌های موسوم به «قرون وسطا» در فرهنگ‌های غربی جهان‌بینی‌هایی چند که از این منابع الهام می‌گرفتند پدید آمدند و تا سده‌ی چهاردهم میلادی تداوم یافتند. پندارهای جهان‌کبیر و جهان‌صغیر و این‌که طبیعت از عناصر چهارگانه تشکیل یافته و مزاج مردمان با طبایع این عناصر مرتبط است، را در سیستم‌های جهان‌شناسی سده‌های وسطایی در اروپا و در شرق اسلامی به خوبی باز توان شناخت.

فرهنگ و فلسفه تاریخ ایران

۱. فرهنگ در ادبیات ایران

در آثار واژه‌شناسان پارسی زبان، فرهنگ «درختی را گویند که آن را بخوابانند و خاک بر زیر آن بریزند تا بیخ بگیرد و باز آن را کنده به جایی دیگر نهال کنند». ارزش‌های نیرومندی که سرشت جامعه یا ملتی را تشکیل می‌دهد، مانند درختی است که در امور مادی و معنوی مردم ریشه دارد که به تدریج بیخ می‌گیرد و مانند آداب و آیین مخصوص اجتماعی

نمایان می‌گردد. امور زودگذر به زودی همه فراموش می‌شود و آنچه ریشه دارد باقی می‌ماند که «فرهنگ» نام دارد. بنابراین «فرهنگ مجموعه معارفی است که با روح جامعه‌ای مخصوص سازگار است و زندگی اجتماعی گروهی از مردم را معین می‌سازد.» هر جامعه و ملتی با چنین معارفی که دارد از سایرین مشخص می‌گردد و فرهنگ مخصوص خود را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که استعداد رشد هر درختی با آب و هوای معینی بستگی دارد و در هر اقلیمی هر گونه گیاهی نمی‌روید، ارزش‌های فرهنگی نیز در هر جامعه تغییر می‌کند و فرهنگ ملت‌ها با یکدیگر یکسان نیست. درین مورد می‌توان از کُر شاسب نامه مثال آورد:

درختی است کو شادی آرد همی

و زانو میبوه فرهنگ بار د همی

فرهنگ نام «شخص» است، همچنین کتابی را گویند که مشتمل باشد بر واژه‌های پارسی و غیره. فرهنگ فلسفه و ادب و حکمت است، چنان‌که در «اقبالنامه» حکیم نظامی گنجوی آمده است:

به هر مدتی فیلسوفان روم

فراهم شدندی ز هر مرز و بوم

بر آراستندی به فرهنگ و رای

سخن‌های دل پرور و جانفزی

ارسطو کجا تا به فرهنگ و رای

برونم جهانند از این تنگنای

فرهنگ دانش و صنعت است و هر که را در علوم و صنایع مهارتی باشد گویند فرهنگی است.